

بررسی اجمالی مکتب، تاریخ نگاری مدینه

عباس رهبری^۱

^۱ عضو هیات علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس کردستان، سنندج، ایران

چکیده

شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی با توجه به نگارش تاریخ ماندگار گردیده است. بدون تاریخ نگاری دقیق امکان حصول به این امر مقدور نیست، در تمدن اسلامی تاریخ نگاری دامنه وسیعی داشته و می‌توان تاریخ نگاری اسلامی را با توجه به مدارکی که در دست است از زمان صدر اسلام رصد نمود. با توجه به نگارش تاریخ در مکانهای مختلف توسط مسلمانان ما را به سمت شناخت تاریخ نگاری سوق می‌دهد. هر مکتب تاریخ نگاری نشان دهنده‌ی انگیزه، شناخت زمینه‌های اجتماعی، مسائل تاریخی، تاریخ نگار آن مکتب است. این امر به مورخ کمک می‌کند تا به قسمت‌های تاریک تاریخ و حقایق واقعی آن وارد شود. در این مقاله سعی بر آن است که مکتب تاریخ نگاری مدینه را معرفی و دست آوردهای این مکتب را بررسی و تحلیل کرده و به معرفی سران تاریخ نگاری آن مکتب بپردازیم و تفاوت‌های این مکتب با مکتب تاریخ نگاری عراق بیان شده است، در این مقاله به شیوه تحقیق توصیفی-تاریخی مباحث مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: مکتب، تاریخ، تاریخ نگاری، مدینه، مورخ.

(۱) مقدمه

تحقیق در مورد تاریخ نگاری اسلامی مخصوصاً در قرن اول با توجه به پیچیدگی و کمبود منابع و حرمت نگارش سیره پیامبر (ص) چنان که باید و شاید به آن پرداخته نشده است. با توجه به متون کتب تاریخی می‌توان به صورت هر چند ناقص به منابع آن زمان دست پیدا کرد. اما باید دقت نمود که اصل منابع در دست نیست، و اگر هم وجود داشته باشد بسیار نادر است، به همین خاطر بیان دقیق نوع تاریخ نگاری در آن زمان بسیار مشکل است و قضاوت در این زمینه نیز کاری سخت و دشوار است. نویسندگان تاریخ (مورخان) در هر دوره ای با توجه به نیاز جامعه، حکومت، دیدگاه غالب فکری در جامعه و برخی عوامل دیگر، دست به تألیف می‌زدند و به همین خاطر است که هر دوره ای با توجه به شرایط مشابه که ایجاد شده است، محتویات تاریخی نگارش شده‌ی آنان از یک قاعده پیروی می‌کند.

سؤال این است که چرا مسلمانان اقدام به نگارش تاریخ نمودند؟ با عنایت به اینکه اسلام دارای یک روح تاریخی و تفکر اسلامی و دارای یک ریشه و اندیشه‌ی تاریخی است، همه مسائل و حوادث در اطراف مسلمانان دارای یک اهمیت خاص مخصوصاً اهمیت دینی است و در آیات قرآن کریم نیز این موضوع قابل مشاهده است. در آیات مختلف قرآن، شاهد هستیم که خداوند انسان را به مطالعه تاریخ گذشتگان دعوت نموده و به علاوه در خود قرآن کریم نیز جهت عبرت تاریخ گذشتگان بیان شده است و اندیشمندان بزرگ تاریخ، خواندن تاریخ را عبرت اندوزی می‌دانند.

به علاوه مسلمانان صدر اسلام با عنایت به اینکه علاقه شدیدی به پیامبر اسلام داشتند تمامی وقایع در خصوص این نور ذات اقدس الهی را نگارش می‌کردند از قبیل زندگی نامه، شرح جنگ‌ها و غیره که به این کتب سیره و مغازی گفته می‌شود. در بین سیره نویسان معروف می‌توان به ابن هشام و ابان بن عثمان بن عفان اشاره نمود به علاوه فتوحات مسلمین صدر اسلام نیز باعث نگارش تاریخ گردید و اعراب به دلیل دیدگاه تفاخر که از دوران جاهلیت داشتند می‌خواستند توانایی خود را در فتوحات نشان دهند و با این تفاوت که پیروزی‌های قبیله ای خود را بنام جهاد ثبت می‌کردند و علاوه بر آن پرداخت خراج و جزیه، تقسیم غنائم، نحوه فتح شهرها و وسعت آن و افراد شرکت کننده در جنگ‌ها بسیار مهم بود بنابراین مسلمانان شروع به نگارش فتوحات کردند و کتاب‌هایی مانند فتوح البلدان، فتوح الشام و نمودند.

(۲) مکتب تاریخ نگاری مدینه

مورخان اسلامی با توجه به خواستگاه مورخان، زمان زندگی آن‌ها، که در نوع و شیوه‌ی تاریخ نگاری آنان مؤثر بوده است تاریخ نگاری اسلامی را به مکاتب مختلفی تقسیم کرده‌اند. آغاز این تقسیم بندی را می‌توان از اوایل قرن دوم هجری دانست. مکتب تاریخ نگاری مدینه را در واقع می‌توان از لحاظ زمانی اولین مکتب تاریخ نگاری اسلامی به شمار آورد (سجادی، ۱۳۸۶)، و دلیل آن حضور پیامبر در مدینه بود و می‌توان گفت اولین کتب تاریخ اسلام در این شهر نگارش یافته است. انگیزه مورخان این مکتب تألیف سیره و مغازی پیامبر (ص) بوده است، این مکتب را مکتب سیره، مکتب مغازی و مکتب حدیث هم ذکر کرده‌اند. جهت آشنایی بیشتر با این مکتب باید با ویژگیهای کتب سیره مغازی و حدیث آشنا شد.

(۳) سیره:

سیره از نظر اصطلاحی عبارت است از تداوم و استمرار سیرت و روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک کاری، از سیره در اصول فقه به عنوان یکی از راههای دستیابی به احکام شرع سخن گفته‌اند، چنان که در فقه نیز بر احکام گوناگون در مواردی بدان استناد و استدلال کرده‌اند. سیره به لحاظ بنای عملی بودن آن برای همه و یا جمعی از مردم، دو نوع است:

۱-۳. سیره عقلا

که از آن به بنای عقلا نیز تعبیر می‌شود و منظور از آن، روش عملی عقلای هر ملیت و مذهبی است. سیره عقلا به تنهایی حجت و دلیل حکم شرعی نیست، مگر در صورت تأیید و موافقت شارع مقدس با مفاد آن.

۲-۳. سیره متشرعان

که مراد از آن، روش عملی گروهی از مردم از آن جهت که مسلمان و یا شیعه دوازده امامی‌اند، می‌باشد. این نوع سیره در حقیقت نوعی اجماع، بلکه معتبرترین نوع آن است؛ چه اینکه اجماع عملی همه مسلمانان، اعم از علما و غیر آنان است؛ درحالی که اجماع قولی تنها اجماع علما می‌باشد. در کلمات فقها از این نوع سیره به اجماع فعلی نیز تعبیر شده است. (ذکری الشیعه ج ۴، ص ۱۴۰. الأصول العامه، ص ۱۹۷- ۲۰۰. جواهر الکلام ج ۳۱، ص ۱۷۹. أصول الفقه ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۸)

۴) مغازی:

به جنگ‌هایی که خود حضرت محمد (ص) در آن‌ها شرکت داشته را غزوه گویند که شرح چگونگی این جنگ‌ها و محل وقوع آن توسط صحابه و تابعین به نگارش درآمده که به این دسته از کتب مغازی گویند. «کتاب المغازی» تألیف محمد بن عمر بن واقد معروف به واقدی مورخ و محدث مشهور که بیش از بیست اثر در تاریخ اسلام از وی به جا مانده است (سجادی، ۱۳۸۶) را می‌توان از مهم‌ترین کتب مغازی دانست.

۵) حدیث:

حدیث، در اصطلاح مسلمانان به سخنان پیامبر (ص) گفته می‌شود. شیعیان به سخنان اهل بیت نیز حدیث می‌گویند. در اصطلاح دانشمندان علم حدیث، به کلامی که حاکی از کردار یا تقریر معصوم (محمد، پیامبر اسلام) است (قوانین الاصول، ۴۰۸، هدایه الابزار، ۱۰۵، مقباس الهدایه، ۵۷/۱)، «حدیث» و گاه «خبر» یا «روایت» گفته می‌شود. شیعیان معتقدند: «حدیث، به دلیل انتساب آن به معصوم و وحیانی بودن محتوای آن، حجت بوده و می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد» حدیث، در لغت به معنی هر چیز نو و جدید است، خبر و کلام را نیز حدیث خوانند. (الصالح، ۲۷۸/۱، المصباح المنیر، ۱/۱۲۴) ابوالبقاء گوید: «حدیث، اسم مصدر از تحدیث به معنی خبر دادن است، سپس قول یا فعل یا تقریری که به پیامبر (ص) منسوب شود را بدان نامیده‌اند، و جمع آن احادیث بر خلاف قیاس است». (الکلیات، ۲۰۲/۲۰) اهمیت حدیث در میان مسلمانان از آن روست که از منابع اصلی استنباط احکام در فقه و عقاید در علم کلام محسوب می‌شود. همچنین احادیث از منابع اولیه پژوهش‌های تاریخی می‌باشد. در طول سده‌های بعد از زندگانی پیامبر و اهل بیت، احادیث توسط شیعه و سنی در مجموعه‌هایی گردآوری و مدون شده است.

۶) ویژگیهای مکتب تاریخ نگاری مدینه

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان اذعان نمود که مکتب‌های تاریخ نگاری در صدر اسلام بیشتر جنبه سیره نویسی داشته‌اند و مکتب تاریخ نگاری مدینه از این امر مستثنی نیست اما این مکتب دارای اهمیت زیادی است که به برخی از دلایل اشاره می‌گردد.

از عوامل مهم این مکتب آن است که:

- ۱) شهر مدینه محل حکومت پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین بوده است.
 - ۲) بیشتر اصحاب رسول خدا در این شهر زندگی کرده‌اند.
 - ۳) حضور پررنگ ائمه (ع) در این شهر باعث شد مسلمانان برای شناخت بیشتر اسلام و احکام آن و شناخت سیره‌ی رسول خدا و بزرگان صحابه پیش از پیش متوجه این شهر باشند.
- با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که:
- الف) نقش مهم این مکتب در پیدایش علم تاریخ در تمدن اسلامی است.
 - ب) در این مکتب دقیقاً سلسله سند روایات را مشخص می‌کند.
 - ج) محور عمده پذیرش در این مکتب سیادت قبیله قریش است.
 - د) بزرگان این مکتب سعی نموده‌اند با استفاده از علم جغرافیا زمان و مکان حوادث تاریخی را بیان کنند.

هـ) در این مکتب سعی شده افراد مهم و اثرگذار را که در حوادث ایجاد شده دخیل بوده‌اند معرفی کنند.
ز) موسسان این مکتب بیشتر قریشی و از موالیان بودند.
ح) فرزندان و نوادگان خلفا و مدعیان خلافت و اصحاب آن‌ها در این مکتب اثر گذار بوده‌اند.

۷) سران مکتب تاریخ نگاری مدینه:

۷-۱) عبدالله بن عباس (م ۷۸ ه.ق):

ابن عباس را باید مؤسس اصلی مکتب تاریخ نگاری مدینه به شمار آورد. وی سیزده سال قبل از رحلت حضرت محمد در مکه به دنیا آمد. گرچه اکثر مطالبی که از او نقل شده توسط مورخان دوران عباسی به رشته تحریر در آمده و از این رو نمی‌توان به تمامی آن‌ها اعتماد کرد ولی تواتر روایات وی قابل اعتماد است (آئینه وند: ۱۳۸۷: ۳۱۹). عبدالله بن عباس سر انجام در سال ۷۸ هجری قمری در طائف در گذشت.

۷-۲) أبان بن عثمان بن عفان (م ۹۵ تا ۱۰۵ ه.ق):

وی فرزند خلیفه سوم عثمان بن عفان می‌باشد و از جمله تابعین به شمار می‌رود. او در ایام خلافت عبدالملک بن مروان والی مدینه بود (البلاذری: ۱۴۱۷) از جمله فقهای مدینه به شمار می‌آید (منتظرالقائم: ۱۳۸۴؛ سجادی: ۱۳۸۶) وی در جنگ جمل همراه عایشه علیه حضرت علی (ع) شرکت داشت (الزركلی، ۱۹۸۹). وی جزء مغازی نگاران مکتب مدینه به شمار می‌آید که روایات وی در تاریخ نگاری این مکتب بسیار حائز اهمیت است.

۷-۳) شُرْحَبِیل بن سعد (م ۱۲۳ ه.ق):

وی از آزاد شدگان انصار به شمار می‌رود و در مدینه زندگی می‌کرده و در رابطه با مغازی دارای متبحر بوده است (بیهقی، ۱۳۶۱) وی ظاهراً از بدریون به شمار می‌آمده است و از زید بن ثابت و ابو هریره و ابو سعید خدری و گروه بسیاری از اصحاب پیامبر (ص) روایت کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰) ولی چون در اواخر عمر حافظه خود را از دست داده بود مورد وثوق بعضی از مغازی نویسان قرار نگرفت و به همین دلیل است که ابن اسحاق از وی روایتی نقل نکرده است.

۷-۴) سعید بن مسیب مخزومی (م ۹۴ ه.ق):

وی از جمله فقهای سبعة مدینه به شمار می‌آید که بسیاری از احادیث مورخان از وی روایت شده است. او در سال ۹۳ هجری قمری در مدینه وفات یافت (تتوی، ۱۳۸۲) این سال را به دلیل اینکه بسیاری از فقها در آن وفات یافتند «سنه الفقهاء» نامیده‌اند. (هدایت، ۱۳۷۳)

۷-۵) عروه بن زبیر (م ۹۴ ه.ق):

وی نیز یکی از فقهای هفتگانه مدینه به شمار می‌آید که نوه دختری ابو بکر و راوی بلا فصل از عایشه است. از عروه در کلیه کتاب‌های سیره و مغازی و کتاب‌های تاریخ و صحاح و مسانید، أخبار و احادیث فراوانی نقل کرده‌اند و در مغازی او را اولین کسی دانسته‌اند که صاحب تألیف بوده است. در این که عروه اطلاعات خود را در کتابی تحریر کرده و یا آنکه فقط آن را بصورت منظم به اشخاص املاء می‌کرده است معلوم نیست. ولی در این شک نیست که خلیفه عبد الملک بن مروان از ۶۵ تا ۸۶ هـ از عروه درباره ابتدای اسلام پرسشهایی کرده و او در نامه‌هایی که در جواب عبد الملک نوشته از ابتدای نزول وحی و آغاز کار مسلمین در مکه گفتگو نموده است و قسمتی از این نامه‌ها در تاریخ طبری ضبط است (همدانی، ۱۳۷۳، بلاذری: ۱۴۱۷).

۷-۶) محمد بن مسلم شهاب زُهری (م ۱۲۳ یا ۱۲۴ ه.ق):

او در سال پنجاه هشت هجری در مکه به دنیا آمد و در سال ۱۲۴ هجری در وفات یافت (ابن اثیر، ۱۳۷۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴). وی در سال (۸۱ یا ۸۲ ه. ق) از مدینه به دمشق رفته است. ابن حجر معتقد است که زهری از علمای برجسته است و مخصوصاً در حدیث در تمام شام و حجاز هم‌تا نداشته است. از فراوانی اخباری که از او در سیره ابن اسحق و مغازی واقدی نقل شده،

معلوم می‌شود که او از بزرگان علم سیره بوده است و چنین استنباط می‌شود که او نخستین کسی است، که آنچه را تابعین از سیره نقل کرده‌اند جمع‌آوری کرده و دانسته‌های خود را به آن افزوده است.

۷-۷) عبدالله بن ابی بکر بن حزم انصاری (م ۱۳۰ تا ۱۳۵ ه.ق):

وی نیز از محدثان مکتب مدینه است. مدتی قاضی مدینه بود (یعقوبی، ۱۳۷۱) و در علم مغازی از مشاهیر دوران خود بود (ابن عناد، ۱۴۰۶). وی را از جمله کسانی به شمار آورده‌اند که «تحول‌نگاری» آغاز قرن دوم هجری را آغاز گر بوده است (آئینه‌وند، ۱۳۸۷).

۷-۸) موسی بن عقیبه (م ۱۴۱ تا ۱۴۲ ه.ق):

موسی بن عقبه بن ابی عیاش از موالی آل زبیر و شاگرد عروه و فقیه و محدث نامی مدینه است که در مغازی رسول الله تخصص داشته. وی از اصحاب امام صادق (ع) می‌باشد. ظاهراً بین سال‌های ۵۵ تا ۶۰ هجری در مدینه به دنیا آمده و در سال ۱۴۱ هجری وفات یافته است وی از علقمه بن وقاص، و کریب و عکرمة، و ابن المنکدر، و عبد الله بن دینار و دیگران روایت نقل کرده و بکیر بن عبد الله بن الاشج، و شعبه، و وهیب و محمد بن قلیح و افراد بسیاری دیگر از وی نقل روایت کرده‌اند (سبحانی، ۱۴۱۸). بنا بر آنچه در طبقات ابن سعد آمده کتاب مغازی موسی بن عقبه شامل اسامی و اطلاعاتی درباره کسانی بوده است که در حوادث مهم زمان پیغمبر اکرم شرکت جسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰) مانند مهاجرین حبشه و اصحاب بدر و غیره. موسی بن عقبه به تواریخ و قصص مربوط به قبل از اسلام توجهی نداشته.

۷-۹) وهب بن منبّه (م ۱۱۴ ه.ق):

وهب بن منبّه بن کامل بن سیح ابو عبد الله الیمانی الصنعانی. کنیه‌اش ابو عبدالله بوده و در یمن زندگی می‌کرده و قاضی صنعا بوده است. وی اصلاً ایرانی و از جمله ابناء بوده و از زهاد و صاحبان مکارم اخلاقی به شمار می‌آمد و در سال ۱۱۰ هجری همزمان با حکومت هشام بن عبدالملک در شهر صنعا وفات یافته است (واقدی، ۱۳۷۴) آثار بسیاری به وهب نسبت داده‌اند که در منابع مختلفه به وجود آن‌ها اشاره شده و یا از آن‌ها نقل کرده‌اند. از آثار او دو فقره پایپروس در شهر هایدلبرگ موجود است که شامل ۲۷ ورقه یا ۵۲ صفحه و دارای تاریخ ۲۲۹ هجری است.

۷-۱۰) سعید بن سعد بن عباده مخزومی (م ۱۲۵):

ابن دلیم بن حارثه بن ابی خزیمه بن ثعلبه بن طریف بن خزرج بن ساعده بن کعب بن خزرج. مادرش غزیه دختر سعد بن خلیفه بن اشرف بن ابی خزیمه بن ثعلبه بن طریف بن خزرج بن ساعده بن کعب بن خزرج است (واقدی، ۱۳۷۴). روایات وی بیشتر از طریق فرزندان او به خصوص شرحبیل و عبدالعزیز نقل شده است سعید بن سعد محضر پیامبر را درک کرده و در برخی روایات آمده که او از پیامبر روایت شنیده است. او مردی مورد اعتماد و کم حدیث است. برخی از روایات وی در مسند احمد بن حنبل و تاریخ طبری آمده است.

۷-۱۱) عاصم بن عمر بن قتاده (م ۱۲۰ ه.ق):

وی نیز در علم سیره و مغازی شهره بود و از جابر بن عبدالله و انس بن مالک و دیگران روایت کرده است. جد وی «قتاده بن نعمان» از صحابه حضرت محمد (ص) بوده است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲). زید بن اسلم و ابوالأسود و محمد بن اسحاق از او نقل روایت کرده‌اند. عمر بن عبدالعزیز او را امر کرد تا در مسجد اموی دمشق، مغازی و مناقب رسول خدا (ص) و اصحاب را برای مردم بیان کند. وی در سال ۱۲۰ هجری قمری در مدینه وفات یافت.

۷-۱۲) ابو معشر سندی (م ۱۷۰ ه.ق):

ابو معشر از جمله موالی است که به اسارت به مدینه برده شد و وی را نجیح نامیدند. او پس از مدتی در سلک موالی امّ موسی زوجه منصور خلیفه و مادر مهدی و جعفر عباسی درآمد و آزاد شد و پس از آنکه به بغداد رفت (۱۶۰ هجری) تا آخر حیات (۱۷۰ هجری) در آنجا ماند و با دربار خلفا رفت و آمد داشت. ابو معشر به عنوان «صاحب المغازی» مشهور است به گونه‌ای که واقدی در کتاب مغازی خود نام او را به عنوان یکی از راویان اخبار غزوات ذکر می‌کند.

۱۳-۷) معمر بن راشد بصری (م ۱۵۴ ه.ق):

کنیه او ابو عروه و وابسته قبیله ازد است. کنیه پدرش، راشد ابو عمرو و برده آزاد کرده و وابسته ازد بوده است. معمر از مردم بصره و شیعه است که از آن شهر کوچ کرده و ساکن یمن شده است (همدانی، ۱۳۷۷). هنگامی که معمر از بصره می‌رفت ایوب او را بدرقه کرد و سفره و توشه‌دانی برای او فراهم ساخت. معمر مردی بردبار و خردمند و جوانمرد بود.

۱۴-۷) ابو روح یزید بن رومان اسدی مدنی (م ۱۳۰ ه.ق):

برده آزاد کرده و وابسته خاندان زبیر بن عوام بن خویلد است که به سال یکصد و سی درگذشته است. او از صالح بن خوات و جز او روایت کرده و مردی دانشمند و پر حدیث بوده به گونه ای که اکثر مورخان روایات او را مورد اعتماد می‌دانسته‌اند (واقعی، ۱۳۷۴).

۱۵-۷) محمد بن اسحاق (م ۱۵۲ ه.ق):

ابو عبد الله محمد بن اسحاق بن یسار از موالی است که در مدینه ظاهراً به سال ۸۵ هجری متولد شده و در بین سال‌های ۱۵۰ تا ۱۵۳ هجری در بغداد وفات یافت و در قبرستان «خیزران» دفن گردید. محمد بن اسحاق نه تنها در علم تاریخ و اخبار مربوط به وقایع و قصص و مغازی شهرت یافت و مشهور زمان به شمار آمد بلکه در روایت احادیث مربوط به احکام و سنن، ثقه و صاحب رأی شد و مورد اعتماد همگان گردید. گرچه کتاب سنن او مفقود شده است، برخی از روایات او را در کتاب‌ها و مجموعه‌های حدیث می‌توان یافت (همدانی، ۱۳۷۷). پس از محمد بن اسحاق، عبد الملک بن هشام (که این کتاب به نام او به سیره ابن هشام معروف شده) کتاب وی را جمع آوری و تهذیب کرد.

۸) مورخان بارز این مکتب

از بین بزرگان این مکتب که نام برده شد دو نفر از این مورخان بسیار مورد توجه و وثق بوده‌اند و می‌توان گفت این دو نفر از بارزترین این افراد هستند و حتی نقش اول ایجاد این مکتب را به آن‌ها نسبت داده‌اند.

۸-۱) عروه بن زبیر:

عروه از اشراف و بزرگان قریش می‌باشد. پدرش «زبیر بن عوام»، مادرش «اسماء بنت ابوبکر»، و خاله‌اش «عایشه»، مادر بزرگش «خدیجه بنت خویلد»، برادرش «عبدالله بن زبیر» و همسرش «ام یحیی» کوچک‌ترین فرزند حکم بودند. وی همواره به حسب و نسب خویش مباهات می‌نموده (بلاذری، ۱۹۴۰ م)؛ (جاحظ، ۱۹۴۸)؛ (طبری، لیدن، ۱۹۰۱)، (ذهبی، لیدن، ۱۸۹۰)، و این امر در رشد و شخصیت و حتی بر روایاتش نیز تأثیر نهاده است. در سال ولادت عروه اختلاف وجود دارد؛ گفته می‌شود که وی در سال (۲۲ ه) یا سال (۲۶ یا ۲۹ ه) تولد یافته است (ابن خلکان، ۱۲۹۹)؛ (ذهبی، لیدن ۱۸۹۰). در روایتی سال تولدش (۲۳ ه) ذکر شده که از بقیه دقیق تر به نظر می‌رسد، زیرا این تاریخ را روایتی دیگر (که عروه را در زمان جنگ جمل (۳۶ ه) سیزده سال می‌داند) تأیید می‌کند. این روایت هم چنین با آنچه که او خود نقل کرده (که در روز جنگ جمل وی را به سبب کم سال بودن بازگردانده‌اند) تقویت می‌شود (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۲۵)، (ابن سعد، لیدن، ۱۹۴۰)؛ (سخاوی، ۱۳۴۹ / ۱۹۳۰)؛ (ذهبی، لیدن ۱۸۹۰). در مورد سال وفات عروه نیز چندین روایت داریم: «طبری» سال (۹۴ ه) را ذکر می‌کند. «ابن سعد» و پیروانش نیز همین را گفته‌اند (طبری، لیدن ۱۳۹۱، ابن سعد، لیدن ۱۹۴۰، ذهبی، لیدن، ۱۸۹۰)، در حالی که «ابن قتیبه» بین سال ۹۳ و ۹۴ ه را ذکر کرده و «ابن خلکان» نیز بر این قول است. ولی قدیم‌ترین و موثق‌ترین آن‌ها، وفات او را به سال (۹۴ ه) می‌داند.

عروه در مدینه رشد کرد و در همان جا به تحصیل پرداخت. سپس مدت هفت سال در مصر اقامت گزید و در همان جا ازدواج کرد و چند سفر به دمشق رفت. آرمان‌های عروه با آرمان‌های پدر و دو برادرش (عبدالله و مصعب) تفاوت داشت. وی از تمایلات خود به روشنی سخن گفته است: «آرزویم زهد در دنیا و رستگاری آخرت است و می‌خواهم از کسانی باشم که دانش از ایشان روایت می‌شود».

عروه در هیچ یک از رخدادهای سیاسی ای که در زمان او به وقوع پیوست مشارکت نکرد. عروه عرصه حیات را به تحصیل و تدریس گذراند؛ پیوسته به دنبال گردآوری حدیث و اندوختن دانش بود. او از بزرگان مدینه (چه مرد و چه زن) و از کسانی چون عایشه و عمر و اسامه بن زید و عبدالله بن عمرو بن العاص و ابوهریره و عبدالله بن عباس روایت کرده است. وی یکی از هفت فقیه بزرگ مدینه و از اعلام محدثین آن جا به شمار می‌آید.

عروه با امویان ارتباط داشته است. وی عبدالملک مروان را در نوجوانی می‌شناخت و در مسجد با او ملاقات می‌کرد و حتی پس از کشته شدن برادرش عبدالله، در دمشق مهمان عبدالملک شد و در مهمانی ولید نیز شرکت کرد.

مراحل آثار تاریخی عروه

- (۱) بعثت پیامبر (ص) در چهل سالگی
- (۲) هجرت به حبشه
- (۳) افزایش مقاومت قریش در برابر دعوت اسلام
- (۴) هجرت
- (۵) حدیث هجرت پیامبر (ص) به مدینه
- (۶) خبر سرتیه عبدالله بن جحش
- (۷) غزوه بدر
- (۸) غزوه قینقاع
- (۹) غزوه خندق
- (۱۰) غزوه بنی قریظه
- (۱۱) غزوه بنی المصطلق
- (۱۲) صلح حدیبیه
- (۱۳) غزوه موته
- (۱۴) فتح مکه
- (۱۵) غزوه حنین
- (۱۶) غزوه طائف
- (۱۷) نامه‌های پیامبر (ص) به مناطق مختلف
- (۱۸) دوران پایان زندگانی پیامبر (ص)
- (۱۹) امور شخصی

مطالعات تاریخی عروه به اختصار:

- (۱) عروه تصمیم ابوبکر بر تجهیز سپاه «اسامه» و اعزام وی را به رغم ارتداد برخی از قبایل عرب و وضع بحرانی مسلمین ذکر می‌کند. ابوبکر سپاهسانی به شام اعزام کرده و مسیر هر یک از فرماندهان را تعیین می‌کند.
- (۲) عروه ماجرای جنگ «اجنادین» و زمان درگیری و پیروزی مسلمین و اسامی برخی از شهدا را ذکر می‌کند.
- (۳) عباس و حضرت فاطمه (س)، سهم خود از میراث پیامبر (ص) در فدک و سهم پیامبر (ص) در خیبر را از ابوبکر طلب می‌کنند؛ همسران پیامبر (ص) هم از ابوبکر سهم پیامبر (ص) در خیبر و فدک را برای خود می‌خواهند. عروه رأی عایشه را نیز در این مورد ذکر می‌کند.
- (۴) ابوبکر به منظور رسیدگی به امور مسلمین، تجارت را رها کرده و به حقوق خود از بیت المال اکتفا می‌کند؛ به بیماری ابوبکر و تاریخ درگذشت وی اشاره شده است.
- (۵) اشاره به جنگ «یرموک» و نیز اشاره به جنگ «قادسیه».

۶) خبر عزیمت عمر بن خطاب به «ایله» در سفرش به بیت المقدس.

۷) خبر جنگ جمل.

با این که عروه در ذکر اخبار ارتداد، همان روش نقل مغازی (سیره) را به کار می‌گیرد، اما به دست دادن نظریه تاریخی عروه در روایات مربوط به دوره خلفای راشدین بسیار مشکل است؛ زیرا وی اخبار ارتداد را تفصیل نمی‌دهد و از آن جز اخباری اندک و اشاراتی گذرا ذکر نمی‌کند، او در ذکر مغازی تاریخ دوران پیامبر (ص) ابتدا به آغاز وحی و شروع دعوت و هجرت به حبشه و مدینه می‌پردازد، سپس برخی از فعالیت‌های دوران مدینه از قبیل سرّیه «عبدالله بن جحش» و غزوه بدر و غزوه قینقاع و خندق و بنی قریظه و صلح حدیبیه و حمله مکه و فتح مکه و غزوه حنین و طائف و برخی از مکاتبات پیامبر (ص) و وقایع اواخر حیات پیامبر (ص) را شرح می‌دهد.

ظاهراً روایات عروه صرفاً خطوط اولیه وقایع تاریخی را بیان می‌کند که به لحاظ اجمال و تفصیل با یکدیگر تفاوت دارند؛ برخی روایات او جز اشاراتی گذرا نیستند و برخی دیگر چنان که در بیان ماجرای بدر و حدیبیه و فتح مکه می‌بینیم روایاتی مرتبط به هم و پیوسته‌اند. اما از غزوه «احد» مطلب قابل ذکر بی‌انگیز می‌کند، همچنان که در روایات او ذکر از زمان وقوع حوادث جز غزوه «موتّه» نمی‌یابیم. با وجود این، ملاحظه می‌کنیم که عروه در تحقیقات خویش فقط به غزوات نپرداخته، بلکه مطالبی از سیره پیامبر (ص) را از آغاز نزول وحی تا زمان وفات آن حضرت نقل کرده است.

عروه محدثی ثقه بود که در نقل روایات از روش اهل حدیث پیروی می‌کرد. منزلت و مناسبات اجتماعی او نیز سبب شده بود که بتواند روایاتش را از منابع اصلی نقل کند. با این حال، او در برخی از روایاتش اسناد را آورده و در برخی دیگر آن را واگذار کرده است.

عروه در کنار روایات شفاهی، به مدارک مکتوب نیز توجه داشته، و تعدادی از نامه‌های پیامبر (ص) به نواحی مختلف را نیز ذکر کرده است که این خود نقطه عطفی در سیر تحول تاریخ نگاری است. وی به آیات قرآنی که مربوط به این حوادث تاریخی بوده نیز استشهاد کرده است. این نکته، بیانگر پیوند علم تفسیر و تاریخ در سپیده دم تاریخ نگاری است؛ به طوری که استشهاد به آیات قرآن در کتب «مغازی» امری مأنوس و رایج گردید.

عروه از ثقاتی نقل کرده که مشهورترین آن‌ها «عایشه» است. اکثر روایات عروه منقول از عایشه است و او خود به اهمیت این روایات واقف می‌باشد. وی از خاندان زبیر و غیر ایشان از جمله اسامه بن زید، عبدالله بن عمرو بن العاص و ابوذر نیز روایت آورده است.

سبک عروه واضح، مستقیم، زنده و سلیس و از مبالغه به دور است و نمی‌کوشد مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. او گاهی در نقل حوادث مقدمه ای می‌آورد تا رخداد مذکور را دقیقاً در موقعیت تاریخی‌اش توضیح دهد و حدیث را به صورتی مرتبط و به هم پیوسته روایت کند.

با این توصیف مطالعات تاریخی، در ارتباط و پیوند با تحقیقات حدیثی آغاز شده و در واقع یکی از فروع آن بوده است. سبک روایت تاریخی به لحاظ صورت و ساختار، همان سبک نقل حدیث است و عروه در این میان چهره ای زنده، واقعی و بی اغراق از حوادثی که برای مسلمین رخ داده و نیز از نحوه فعالیت‌های ایشان ترسیم کرده است.

تلاش عروه از اهمیتی فراوان برخوردار است، زیرا با گردآوری بسیاری از احادیث تاریخی درباره مغازی، برخی از اصول اساسی مطالعات تاریخی را ترسیم کرده و اندیشه ای تاریخی و تاثیرگذار را بر جای نهاده است. البته نباید از نظر دور داشت که روش مطالعات تاریخی عروه و ساختار آن یعنی دقیقاً آنچه را که عروه بنیان نهاده بود «زهری» به صورتی شایان توجه تکامل بخشید.

۲-۸) زهری:

نقش اول در پیدایش مکتب تاریخی مدینه به «ابوبکر محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب الزهری» تعلق دارد. وی اصول این علم را استحکام بخشید و مسیر آینده مطالعات تاریخی را ترسیم کرد. به همین سبب، تحقیقات وی از این نظر بسیار مهم است.

البته مطالعات او به لحاظی دیگر نیز دارای اهمیت فراوانی است، زیرا برای ما تاکید می‌کند که ریشه‌های «مغازی» همان طور که عده ای اعتقاد دارند به قصه‌های سنتی، یا به تحقیقات جدی ای که محدثان و شاگردان او انجام داده‌اند برمی‌گردد (دائرة المعارف اسلامی، ماده «سیره»).

در تاریخ وفات «زهری» تقریباً تردیدی نیست؛ زیرا روایاتی که تاریخ وفات وی را در ۱۷ رمضان (۱۲۴ هـ) می‌دانند متواترند (بخاری، ۱۳۶۰، ۱۳۶۴ هـ)، (ابن قتیبه) (یافعی، ۱۳۳۷، ۱۳۳۹)، (ابن جوزی ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ هـ)، (ذهبی، ۱۸۹۰) (ابن کثیر، ۱۳۴۸، ۱۳۵۸)، تاریخ‌های دیگری نیز ذکر می‌کنند که عبارت است از سال ۱۲۳ و ۱۲۵ هـ (الغانی). اما تاریخ ولادت وی چنان که انتظار می‌رود مورد اختلاف است. بنا به روایات مختلف، سال تولد او ۵۰، ۵۱، ۵۶ و ۵۸ هـ ذکر شده است (ذهبی ۱۸۹۰)؛ ابن جوزی، ابن کثیر و الواقدی سال ۸۵ را ذکر می‌کند. (ذهبی، ۱۳۳۴)، (ابن خلکان، ۱۳۱۰). البته «زبیر بن بکّار» و «واقدی» در روایتی آورده‌اند که وی ۷۲ سال زیست، و این امر احتمال ولادت وی به سال (۵۱ هـ) را تقویت می‌کند (ابن سعد، لیدن، ابن اثیر، ابونعیم الاصفهانی، ۱۹۳۲، ۱۹۳۸).

زهری نزد اعلام محدثین زمان خود که چهار تن از آنان در نظرش از منزلتی خاص و احترامی فراوان برخوردار بودند تحصیل کرد. او از آن‌ها بسیار تقدیر کرده و اکثر احادیث خود را نیز از آنان اخذ کرده است. این چهار تن عبارت‌اند از: «سعید بن المسیب» (ذهبی، تراجم، ص ۶۷)، «ابان بن عثمان»، «عبیدالله بن عبدالله بن عتبه» (بخاری، تاریخ کبیر) و «عروه بن الزبیر». زهری به قوت حافظه مشهور بود؛ ویژگی ای که در دوران وی اهمیت فراوانی داشت.

آشکار است که زهری در زمینه احادیث پیامبر (ص) و صحابه، در مدینه به تحقیقی وسیع اقدام کرده و در این کار، منزلت اجتماعی، حافظه نیرومند و بهره مندی از کتابت مدد کار وی بوده‌اند. وی صرفاً به پرسش از محدثین اکتفا نکرده، بلکه از هر کس که ممکن بود خبر یا حدیثی قابل اعتماد داشته باشد، سؤال کرده است. او بدین منظور به مجالس و منازل اشخاص مختلف می‌رفت و از آنان پرسش می‌کرد؛ ذهبی می‌گوید: «ابراهیم بن سعد» گفت: به پدرم گفتم: چه چیزی از زهری بر شما ظاهر شده؟ گفت: «به مجلس‌ها از آغاز حضور می‌داشت نه آخر آن. هیچ جوانی، مجلس را ترک نمی‌کرد، مگر این که از او سؤال می‌کرد و هیچ پیری را بدون این که از او پرسش کند ترک نمی‌نمود. به هر خانه ای از خانه‌های انصار که می‌آمد جوانی یا پیرمردی یا پیر زنی را ترک نمی‌کرد مگر این که از آن‌ها سؤال می‌نمود» (ذهبی، تراجم).

«مالک بن انس» درباره او گفته است: «او دانش فقهای سبعه را حفظ کرده و در میان مردم نظیر ندارد». «عمر بن عبدالعزیز» می‌گوید: «کسی از او به سنن گذشتگان داناتر نیست». «ابراهیم بن سعد» به نقل از پدرش می‌گوید: «پیش از زهری، کسی دانش را همچون او گرد آوری نکرده است». «عبد الرحمن بن ابی الزناد» به نقل از پدرش می‌گوید: «او دانشمندترین مردم است» (ابن جوزی ۱۳۵۵، ذهبی، ۱۳۳۴، یافعی ۱۳۳۷، ابن کثیر، ۱۳۴۸).

مطالعات تاریخی زهری

به نظر می‌رسد زهری در تحقیق خویش پیرامون زندگی پیامبر (ص) ابتدا برخی حوادث پیش از اسلام را که برخی از آن‌ها به ایشان مربوط می‌شود ذکر کرده و سپس زندگی پیامبر (ص) را در مکه و مدینه بررسی کرده است. زهری همچنان که تألیف خود را «مغازی» نام گذاشته (الغانی، ج ۱۹، ص ۵۹) آن را «سیره» نیز نامیده است (طبری، المنتخب، ص ۹۷). البته عنوان «سیره» به کتابش اطلاق نمی‌شد. امروزه، از «مغازی» زهری جز قطعاتی که بیش از همه در کتب «ابن اسحاق»، «واقدی»، «طبری»، «ابن سیدالناس» آمده، چیزی به دست ما نرسیده است.

چارچوب نگارش تاریخی مغازی زهری:

البته بیان این چارچوب به علت در دسترس نبودن مغازی وی دقیق نیست اما از مطالب نوشته شده در اطراف مغازی وی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف: قبل از اسلام

۱) روز آفرینش آدم

۲) ذکر ماجرای حضرت نوح و پراکنده شدن فرزندان و خاندان وی و تقسیم زمین در میان ایشان.

- ۳) تقویم فرزندان اسماعیل یا عرب‌ها که با ماجرای دخول حضرت ابراهیم (ع) در آتش آغاز شده و به عام الفیل می‌رسد.
- ۴) اخباری درباره برخی از انبیا.
- ۵) برخی روایات درباره «آمنه بنت وهب» هنگامی که به پیامبر (ص) باردار شد و حکایت درگذشت «عبدالله بن عبدالمطلب».
- ۶) برخی از حوادثی که برای پیامبر (ص) رخ داده یا ماجراهایی که پیامبر (ص) در آن‌ها مشارکت داشته؛ از قبیل تعمیر کعبه و حلف الفضول.
- ۷) توافق خدیجه بنت خویلد با محمد بن عبدالله (ص) که با قافله‌اش به شام رفت و ازدواج پیامبر (ص) با خدیجه و سن پیامبر (ص) در آن هنگام.
- ۸) نقل دلایل نبوت پیامبر (ص).

ب: دوران رسالت

دوره مکه

- ۱) آغاز نزول وحی (مقدمات رسالت، رؤیای صادق، عبادت در تنهایی و نزول وحی).
- ۲) نظریه ای درباره نگرش قریش نسبت به دعوت پیامبر (ص) و فعالیت‌های آن حضرت.
- ۳) ماجرای سیر پیامبر (ص) و معراج (ابن هشام، ص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ طبری، ج ۱، ص ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۱۳).
- ۴) هجرت به حبشه؛ نخستین مهاجران؛ موضع نجاشی نسبت به مسلمین و
۵) تحریم بنی هاشم و بنی عبدالمطلب توسط قریش؛ وفات ابوطالب (ابن سیدالنّاس، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۳۱ و ۱۳۳).
- ۶) بیعت عقبه؛ متن بیعت نامه و آغاز استقرار اسلام در مدینه.
- ۷)

دوره مدینه

- ۱) بیان واقعه هجرت به مدینه و ماجرای «سراقه بن جشم».
- ۲) انتظار مسلمانان در رسیدن پیامبر به مدینه پیامبر (ص)؛ موقعیت و زمان وصول پیامبر (ص) به مدینه، ساختن مسجد مدینه (طبری، ج ۱، ص ۱۲۵۰، ۱۲۵۶؛ ابن سیدالنّاس، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶؛ بخاری، ص ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۶، ۲۵۸).
- ۳) تأثیر آب و هوای مدینه بر مهاجرین و ابتلای برخی از آنان به تب.
- ۴) سرّیه «عبدالله بن جحش»؛ تعداد شرکت کنندگان در این سرّیه و هویت آنان.
- ۵) برخی اطلاعات از نظر یهود درباره پیامبر (ص)؛ موضع خشن و دشمنانه «عبدالله بن اّبی»؛ تغییر قبله از بیت المقدّس به کعبه.
- ۶) وجوب روزه و تاریخ آن و وجوب زکات فطره.
- ۷) غزوه بدر (زهري در شمار راویان این خبر است)
- ۸) غزوه «سویق» و تاریخ وقوع آن.
- ۹) تیرگی روابط با یهود و وقوع نزاع با آنان؛ قبیله «اوس» به قتل کعب بن اّشرف، اقدام می‌کنند.
- ۱۰) غزوه «بنی قینقاع» پس از نزول آیه «و اما تخافن من قوم خیانه فانبدالیهم علی سواء».
- ۱۱) غزوات دیگر: غزوه «قراره الکدر» علیه «بنی سلیم» و «غطفان»، اعزام مسلمین به سرّیه علیه بنی سلیم در «بحرین».
- ۱۲) جنگ اّحد و بیان تفصیلی شهادت حمزه بن عبدالمطلب.
- ۱۳) اخراج قبیله یهودی «بنی النّضیر» از مدینه.
- ۱۴) غزوه خندق و سختی اوضاع مسلمین
- ۱۵) حمله به «بنی قریظه» که سومین قبیله یهودی مدینه بودند بلافاصله پس از غزوه خندق.
- ۱۶) اعزام به سرّیه ای علیه «بنی لحيان»
- ۱۷) حدیث اّفک [عایشه].

۱۸) سرتیه «زید بن حارثه» علیه «ام قرفه».

۱۹) صلح حدیبیه

۲۰) فتح خیبر

۲۱) فتح مکه

۲۲) غزوات بعدی: غزوه «هوازن» حمله به «تبوک»

۲۳) نامه‌ها و دیدارها

۲۴) برخی ناآرامی‌ها: اعزام «خالد بن ولید» برای سرکوب قبیله «بنی حارث» به نجران و اسلام آوردن آنان.

۲۵) مطالبی مربوط به پیامبر (ص)؛ اشاراتی به همسران آن حضرت و توضیح برخی از اسامی آن حضرت.

۲۶) اشاره ای به حجّه الوداع و برخی اطلاعات درباره آن؛ آماده شدن «اسامه بن زید» برای جنگ.

۲۷) آخرین بیماری پیامبر (ص)، تأثیر وفات پیامبر؛ به خاکسپاری پیکر مطهر پیامبر بزرگوار.

۲۸)

این موارد به صورت مختصر بوده و می‌توان موارد بیشتری را نیز اضافه نمود که در این بحث نمی‌گنجد. از این موارد مختصر آشکار می‌شود که زهری اولین چارچوب واضح از سیره را به دست داده، خطوط اصلی آن را به وضوح تمام ترسیم کرده و تنها تکمیل جزئیات این چارچوب را بر عهده آیندگان نهاده است.

به نظر می‌رسد زهری عموماً حوادث تاریخی را بر اساس تسلسل زمانی آن‌ها ملاحظه کرده است و برخی از تواریخ از قبیل تاریخ هجرت و چه بسا تاریخ وقوع غزوه بدر، احد و خندق و تاریخ برخی غزوات از قبیل غزوه قراره الکمر، «بنی سلیم»، قینقاع، بنی النضیر، خیبر و فتح مکه و تاریخ وصول هیئت اعزامی «کنده» و رحلت پیامبر (ص) را ذکر کرده باشد. همین توجه به تاریخ وقوع حوادث، زهری را در تثبیت چارچوب سیره یاری کرده است.

دیدگاه زهری اساساً دیدگاه «محدث» است. تلاش اصلی او نیز کسب علم یا احادیث و از جمله احادیث تاریخی بوده است. روش او در تحقیق احادیث و روایات، متکی بر اسناد است و موضع او نسبت به اسناد، همان موضع محدثین بزرگ آن عصر است که گاهی به روایت یکی از تابعین اکتفا کرده، ولی در مورد احادیث تاریخی با آزادی عمل بیشتری عمل می‌کند. زهری آیات قرآنی را که به مسائل تاریخی ارتباط دارند، بسیار ذکر می‌کند. روایات زهری عموماً با روشی صریح و ساده و متمرکز، اطلاعاتی واقعی و متوازن به دست می‌دهند، لذا تلاش برای بزرگنمایی و اغراق که در مورخین بعدی دیده می‌شود، در آثار او اندک است، گرچه جوانه‌های تمایل به تمجید را در آثار او می‌توان یافت. مطالعات تاریخی زهری به مغازی منحصر نیست، بلکه علم انساب و تاریخ صدر اسلام را نیز شامل می‌شود. وی به داشتن اطلاعات وسیع در مورد «انساب» معروف بود.

۹) تشابه و تفاوت‌های مکتب تاریخ نگاری مدینه و عراق

هر مکتبی برای خود نحوه‌ی نگارش خاصی داشته و بنا به دلایل مختلفی از قبیل فرهنگ، زمان تاریخی، علایق و ... مکتب جدید ایجاد شده و البته هر مکتبی تشابهات و همچنین تفاوت‌هایی با مکاتب قبل و یا بعد خود دارد. مثلاً مکتب تاریخ‌نگاری مدینه اختصاص به مغازی و فتوح دارد در حالی که مکتب تاریخ نگاری عراق غالباً بر محور اخبار و ایام و انساب قرار دارد.

۱۰) ویژگی‌های مکتب تاریخ نگاری عراق

الف) نگاه کلی و جامع در آثار اصحاب این مکتب پدیدار است، نسب دانان، از بررسی نسب قبیله به مجموع قبایل می‌رسند و راویان و اخباریان، اخبار امت را محور تحقیقات خویش قرار می‌دهند. در حقیقت با این گونه نگاه که در مکتب عراق پدید آمد، تاریخ، هویت یافت و مورخان پا در عرصه حیات علمی نهادند.

ب) تحزب بر بنیاد سیاست، قبیله، سرزمین و شهر در آثار روایان این مکتب به چشم می‌خورد برای مثال می‌توان به ابو مخنف، عوانه بن حکم و سیف بن عمر اشاره کرد که بر اساس علاقه علوی شامی بانگش قبیله ای به تدوین تاریخ می‌پردازند.

ج) آمیختن روایات شهرها، مناطق و قبایل مختلف با هم و پدید آوردن شکلی کامل و جامع و متنوع از آن، بعدی دیگر از تاریخ نگاری در این مکتب است.

د) اخباریان، روایات را از حیث موضوع و زمان تنظیم می‌کنند.

ه) از اسناد و نامه‌های رسمی در تدوین تاریخ استفاده می‌کنند، احتمالاً از دیوان‌های جند و خاتم در شام، عراق، بصره و کوفه سود برده‌اند.

و) لغویان و نحویان در گردآوری اشعار و مفردات لغوی و ثبت اشکال و صور تعبیر، همپای نسب دانان، کمک دیگری به وحدت تاریخ اسلام کردند و عراق در این کار پیش گام بود.

ز) استفاده از نجوم و تنجیم در تصحیح و ضبط حوادث تاریخی در این مکتب گام دیگری در پیش برد علم تاریخ بود.

قبلاً در مورد خصایص مکتب تاریخ نگاری مدینه صحبت شده که جهت جلوگیری از اطاله بحث از نگارش مجدد آن‌ها خوداری می‌گردد و فقط به صورت موردی برای مقایسه با مکتب عراق ذکر می‌گردد:

۱۱) شباهت‌های دو مکتب

ردیف	مکتب مدینه	ردیف	مکتب عراق
۱	نقش مهم در پیدایش علم تاریخ	۱	باعث هویت تاریخ شد
۲	داشتن سیادت قبیله ای	۲	داشتن نسب شناسی در قبائل
۳	استفاده از علم جغرافیا، زمان و مکان در حوادث تاریخی	۳	بررسی روایات از طرف اخباریان از حیث موضوع و زمان
		۴	استفاده از نجوم و تنجیم در ضبط حوادث تاریخی

۱۲) تفاوت‌های دو مکتب

ردیف	موضوع مورد بحث در دو مکتب مدینه و عراق	مکتب مدینه	مکتب عراق
۱	حضور پر رنگ ائمه در این شهر و استفاده از سخنان آنان	*	
۲	حضور بیشتر صحابه رسول مکرم اسلام و استفاده از سخنان آنان	*	
۳	بیان سلسله راویان در اسناد خود	*	
۴	معرفی افراد مهم و تأثیر گذار در حوادث ایجاد شده	*	
۵	بیشتر نویسندگان قریشی و از موالیان بوده‌اند	*	
۶	اثر گذاری فرزندان و نوادگان خلفاء و اصحاب در مکتب	*	
۷	اخبار امت توسط راویان و اخباریان محور قرار گرفته باشد	*	
۸	پا به عرضه گذاشتن مورخان	*	
۹	گروه گرایی در سیاست، قبیله، سرزمین و شهرها	*	
۱۰	آمیختن روایات شهرها، مناطق و قبائل با هم	*	
۱۱	استفاده از اسناد و نامه‌های رسمی در تدوین تاریخ	*	
۱۲	گرد آوری اشعار، مفردات قرآنی و ثبت اشکال و صور توسط لغویان و نحویان	*	

۱۳) بحث و نتیجه‌گیری

مکتب تاریخ نگاری مدینه، نخستین مکتبی است که توسط صحابه و تابعین حضرت محمد (ص) ایجاد گردید و هدف از آن در ابتدا آشنایی تازه مسلمانان با زندگانی حضرت رسول به عنوان پیشوای دینی، برای آشنایی بیشتر با اسلام بود ولی در ادامه مؤسسين این مکتب با گسترش دامنه این روش به پرورش این نوع تاریخ نگاری پرداختند به گونه ای که کتب «سیره» و «مغازی» دست آورد این مکتب است. از طرفی دیگر در این مکتب به صورت غیر محسوسی علم حدیث رشد کرد به گونه ای که در دوره‌های بعد قابلیت این را یافت که «علم حدیث» به صورت علمی مستقل به شمار آید. این مکتب ریشه اصلی نگارش حدیث و مغازی بشمار می‌رود و بیشتر احادیث و روایات آن از بزرگان دین و صحابه تهیه و تدوین شده است.

منابع

۱. ابن اثیر، عز الدین علی (۱۳۷۱)، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۹: ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن، صفوة الصفوة، جزءان، (حیدر آباد دکن، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۵۵ ۱۳۵۶ هـ).
۳. ابن خلکان، وفیات الاعیان، جزءان، (قاهره، بولاق، ۱۲۹۹).
۴. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، ج ۵ و ج ۳: تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن عماد، شهاب الدین ابو الفلاح عبد الحی بن احمد العکری الحنبلی الدمشقی (۱۴۰۶)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲: تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۶. ابن قتیبة، أبو محمد عبد الله بن مسلم (۱۹۹۲)، المعارف، تحقیق ثروت عکاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۷. ابن کثیر، البدایة و النهایة فی التاریخ، ۱۴ جزء، (قاهره، مطبعة السعادة، ۱۳۴۸ ۱۳۵۸).
۸. ابن هشام؛ زندگانی محمد پیامبر اسلام (۱۳۷۵)، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی.
۹. الأصول العامة فی الفقه المقارن جلد: ۱ نویسنده: حکیم، محمد تقی ناشر: مجمع جهانی اهل بیت (ع) محل نشر: قم
۱۰. أصول الفقه (مظفر، محمد رضا) (با تعلیقه)، جلد: ۱، محقق: زارعی سبزواری، عباسعلی، نویسنده: مظفر، محمد رضا، ناشر: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) محل نشر: قم، سال نشر: ۱۳۸۷
۱۱. انسان، علی شریعتی، مجموعه آثار ۲۴، تهران، الهام، چاپ اول
۱۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، جلد: ۱، نویسنده: جعفریان، رسول، ناشر: نشر مشعر، محل نشر: تهران
۱۳. آئینه وند، صادق (۱۳۸۷). علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. بخاری، التاریخ الكبير، (حیدر آباد دکن، دائرة المعارف، ۱۳۶۰ ۱۳۶۴ هـ) ج ۱ و ۲ و ۴. سال نشر: ۱۳۸۶
۱۵. البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷)، انساب الأشراف، ج ۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
۱۶. بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین (۱۳۶۱)، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. تاریخ الرسول و الملوک، طبری. ن. دی خویه، ۱۵ جزء، (لیدن، بی نا ۱۸۷۹، ۱۹۰۱) ج ۲
۱۸. تاریخنگاری در اسلام، سید صادق سجادی، هادی عالم زاده
۱۹. تتوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، تصحیح غلام رضا طباطبایی مجد تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. جاحظ، البیان و التبیان، ن. عبدالسلام هارون، ۳ اجزاء، (قاهره، بی نا، ۱۹۴۸).

۲۱. دائره المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۴.۱۳۸۵
۲۲. ذکری الشیعۀ فی أحكام الشریعۀ جلد: ۱ نویسنده: شهید اول، محمد بن مکیمحقق: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث ناشر: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث محل نشر: قمسال نشر: ۱۳۷۷
۲۳. ذهبی، میزان الاعتدال فی تراجم الرجال، ۳ اجزاء، (قاهره، بی نا، ۱۳۲۵).
۲۴. الزرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۵. سبحانی، شیخ جعفر (۱۴۱۸)؛ موسوعۀ طبقات الفقهاء ج ۱: قم: مؤسسه امام صادق.
۲۶. سجادی، سید صادق و هادی عالم زاده (۱۳۸۶) تاریخ نگاری در اسلام؛ تهران: سازمان مطالعه و تمدن کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت).
۲۷. سخاوی، الإعلان بالتوبیخ لمن ذم التاريخ، (دمشق، بی نا، ۱۳۴۹ / ۱۹۳۰ م).
۲۸. طبری، «المنتخب من کتاب ذیل المذیل»، همراه تاریخ طبری
۲۹. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۳۰ جزء، (قاهره، بی نا، ۱۹۰۳).
۳۰. العسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، (حیدرآباد دکن، بی نا، ۱۳۲۵ ه).
۳۱. فرهنگ فارسی دکتر محمد معین؛ شش جلدی، نویسنده: محمد معین، ناشر: امیر کبیر، زبان کتاب: فارسی، اندازه کتاب: رقعی جلد سخت - سال انتشار: ۱۳۶۳ - دوره چاپ: ۴ قوانین الاصول، ۴۰۸.
۳۲. الکلیات = کلیات، نام کتابخانه: کتابخانه آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه (س)، پدیدآورنده: ایوب بن موسی ابوالبقا، موضوع: قرآن - مسائل لغوی دایره المعارفها لغت نامه دهخدا
۳۳. محمد حسن بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱، مقدمه مظفر، ص ۸ - ۱۳، بیروت ۱۹۸۱..
۳۴. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی جلد: ۱ نویسنده: فیومی، احمد بن محمد ناشر: موسسه دار الهجره محل نشر: قم
۳۶. مقباس الهدایه فی علم الدرايه نویسنده: محمدرضا مامقانی، عبدالله مامقانی محل نشر: قم تاریخ نشر: ۸۶۰۳۱۲ تعداد صفحه: ۵۱۸ زبان کتاب: عرب نوبت چاپ: ۱ شماره مجلد: ۱
۳۷. منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۴)؛ تاریخ اسلام تا سال چهلم هجری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳۸. واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴)، طبقات: ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۳۹. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)، مغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص))، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاه.
۴۰. هدایه الابرار الی طریق الایمه الاطهار علیهم السلام جلد: ۱ نویسنده: کرکی، حسین بن شهاب الدین ناشر: رؤوف جمال الدین محل نشر: نجف اشرف
۴۱. هدایت، رضا قلی خان (۱۳۷۳)، فهرس التواریخ، تصحیح عبد الحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۲. همدانی، رفیع الدین اسحاق بن محمد قاضی ابرقوه (۱۳۷۷)، سیرت رسول الله، تحقیق اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی.
۴۳. یافعی، مرآة الجنان، ۴ اجزاء، (حیدر آباد دکن، دائره المعارف النظامیه، ۱۳۳۷ ۱۳۳۹).
۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

45. هرمان, A. M. (1998). *Οχυπατιοναλ ουτλοοκ ηανδβοοκ: 1998–99 εδιτιον*. Ινδιαν απολις: θΙΣΤ ορκς.